

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال نوزدهم - شماره ۱۳۸
تابستان ۱۴۰۰

نقش ظلم در سقوط جامعه اسلامی با تکیه بر آیات ۴۵ تا ۵۲ سوره نمل با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

هاجر خادم‌زاده یگانه^۱
صدیقه فیجانی پدک^۲

چکیده

طبق بیانیه گام دوم انقلاب، یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی که نقش مهمی در ادامه آن دارد، شعار عدالت است و یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده عدالت و در نتیجه، سقوط جامعه اسلامی، رواج ظلم در جامعه است. آیات شریفه ۴۵ تا ۵۲ سوره مبارکه نمل، از جمله آیات کلیدی هستند که در آنها، ظلم، یکی از عوامل سقوط جامعه معرفی شده است. از آنجاکه دنیای امروز، دنیای پر از ظلم در همه سطوح فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، یقیناً آگاهی بخشی جوامع بشری در شناخت پیامدهای ظلم می‌تواند در ریشه‌کن ساختن آن و ایجاد جامعه اسلامی نقش مؤثری داشته باشد. نوشتار پیش رو درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، در ذیل آیات مذکور، به بررسی و تحلیل نقش ظلم در سقوط جامعه اسلامی بپردازد. از رهگذر مطالعه و تحلیل تفاسیر ذیل این آیات به دست آمد که ظلم، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای جامعه اسلامی به دنبال دارد؛ از جمله: باعث ایجاد اختلاف و تفرقه و در نتیجه، تحریف حقایق دینی می‌شود، نعمت‌های الهی زائل می‌گردد، امنیت اجتماعی از بین می‌رود، ظالمان بر جامعه اسلامی چیره می‌شوند و در نهایت، این عوامل، منجر به سقوط تدریجی جامعه اسلامی می‌شوند.

واژگان کلیدی: ظلم، سقوط، جامعه اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. دانش پژوه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران؛ hajaryeganeh20@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران؛ ffijani19@gmail.com

مقدمه

جامعه اسلامی از آغاز تا کنون، مملو از فراز و نشیب بوده و عوامل موثر زیادی، در این فراز و نشیب دخالت داشته‌اند. از عواملی که باعث افول و فروپاشی جامعه اسلامی در مقاطعی از تاریخ شده و بعضاً نیز در زمان حاضر وجود دارد، می‌توان به ترویج کفر، ظلم و ستم، گناه، فساد اقتصادی، استکبار، سرکشی، تجاوز و اشرافیت و تجمل‌گرایی اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران است و قرآن، به عنوان کتابی الهی و هدایتگر، که گاه با بیان سرگذشت اقوام گذشته، ما را به عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان فرامی‌خواند، در آیات ۴۵ تا ۵۲ سوره نمل: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۴۵) قَالَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۶) قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷) وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸) قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۴۹) وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۰) فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱) فَلَيْتَكَ بِيَوْمِئِذٍ خَاوِيَةً مِمَّا ظَلَمُوا نَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)؛ ما به سوی «ثمود» بردارشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند (۴۵) (صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید شاید مشمول رحمت (او) شوید؟! (۴۶) آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست؛ بلکه شما گروهی فریب خورده هستید! (۴۷) در آن شهر نه نفر بودند که در آن سر زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند (۴۸) گفتند: بیایید قسم یاد کنید به خدا که شبانه او را با کسانش از میان برداریم آن‌گاه به خونخواه و ولی دم وی گوییم ما هنگام هلاک کسان او حاضر نبودیم و ما راست گویانیم (۴۹) آنها نیرنگی کردند و ما نیز در آن حال که غافل بودند تدبیری کردیم (۵۰) بنگر عاقبت

نیرنگشان چه شد که ما همگی شان را با قومشان هلاک کردیم (۵۱) اینک خانه هایشان برای آن ستم‌ها که می‌کردند خالی مانده که در این برای گروهی که بدانند، عبرتی است (۵۲) ﴿ظلم و ستم و تجاوز را باعث سقوط قوم ثمود معرفی کرده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در جایگاه یک رهبر دینی و شاگرد مکتب قرآن نیز رواج ظلم و ستم در جامعه را باعث سقوط تدریجی جامعه دانسته (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶) و بارها اعلام کردند که ملت ایران، مخالف ظلم است و در برابر ظلم، بی‌تفاوت نیست (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۳۹۰/۰۴/۰۶). حال با توجه به آیات قرآن و بیانات مقام رهبری، باید دید پیامدهای ظلم چیست؟ و چه تأثیری بر سقوط جامعه اسلامی دارد؟ برای رسیدن به پاسخ، در نوشتار حاضر، پس از مفهوم‌شناسی، با روش توصیفی-تحلیلی، به پیامدهای ظلم و نقش آنها در سقوط جامعه اسلامی خواهیم پرداخت.



مهم‌ترین منبعی که درباره نقش ظلم در سقوط جامعه سخن به میان آورده، قرآن است و مفسران، در آثار تفسیری خود، ذیل آیات مرتبط، توضیحاتی بیان کرده‌اند. همچنین ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز در سخنان خود، به نقش ظلم در سقوط جامعه پرداخته‌اند. همچنین این موضوع را می‌توان در آثاری که به عوامل انحطاط جوامع و سنن الهی پرداخته‌اند، مشاهده کرد. اما این کتاب‌ها، ظلم را در حد یک عامل، در کنار سایر عوامل انحطاط جوامع ذکر کرده و به بررسی موردی و تفصیلی آن نپرداخته‌اند. از جمله این کتاب‌ها عبارتند از:

۱. «علل انحطاط و سقوط جوامع از دیدگاه قرآن» نوشته سیدحسین رکن‌الدینی
 ۲. «علل انحطاط جامعه از دیدگاه قرآن» به قلم علی قائمی
 ۳. «سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن» تألیف آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر
 ۴. پایان‌نامه با عنوان «ظلم و آثار اجتماعی آن در قرآن و حدیث» نگارش روح‌الله محمدی
- ۱۳۸۹، که در بخش ششم به عوارض و پیامدهای ظلم پرداخته است. پژوهشگر، این بخش از پایان‌نامه خود را به صورت مقاله‌ای با عنوان: «ظلم و ظلم‌پذیری و پیامدهای آن در سبک



زندگی» در سال ۱۳۹۲ در فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره سوم به چاپ رسانده است. نویسنده، در پایان‌نامه و مقاله خود، فقط آثار اجتماعی ظلم را بررسی کرده و به نقش ظلم در سقوط جامعه اسلامی اشاره‌ای نداشته است.

۵. پایان‌نامه با عنوان «تأثیر ظلم در فروپاشی جوامع از دیدگاه سنت‌های الهی در قرآن» به قلم مهدی محمدی، ۱۳۹۰، به موضوع ظلم‌هایی که در جوامع انبیاء رواج داشته و باعث هلاکت آنها شده و همچنین، چرایی و فلسفه هلاکت جوامع به واسطه ظلم، پرداخته شده است. این پایان‌نامه، به نقش ظلم در سقوط جامعه اسلامی اشاره‌ای نداشته است.

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدای مقاله لازم است با مفهوم ظلم و سقوط جامعه اسلامی آشنا شویم.

۱.۱. ظلم

ظلم در لغت، به معنای گرفتن حق غیر است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۶۳). به گفته ابن‌فارس، ظلم دو معنای اصلی در زبان عربی دارد: تاریکی و سیاهی و نیز چیزی را از روی ستم در غیر موضع خود نهادن (ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ص ۳، ص ۴۶۸). بسیاری از علما، معنای دوم را بیان می‌کنند و ظلم را به معنای قراردادن چیزی در غیر موضع خود می‌دانند (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۷۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۷۳ و فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۰۰). همچنین تجاوز از حق را ظلم گویند چه این تجاوز، کم باشد و چه زیاد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۸)

ظلم، در اصطلاح، آن است که شخص، یا کار یا چیزی را در موقعیتی که شایسته آن نیست، قرار دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۴۲). همه انحرافات و مفاسد، در مفهوم ظلم و ستم، جمع است. مفهوم وسیع این کلمه، هرگونه انحراف و تغییر موضع واقعی اشیاء، اعمال، صفات و عقاید را شامل می‌شود. (همان، ج ۹، ص ۶۹)

۱.۲. سقوط جامعه اسلامی

سقوط، از سقط، در لغت به معنای افتادن و افکنده شدن چیزی از مکان بلند به مکان پایین است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۱۶ و فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴۶). معنای اصطلاحی این کلمه، همان معنای لغوی آن است.

جامعه اسلامی، یعنی آن جامعه‌ای که در رأس آن جامعه، خدا حکومت می‌کند. قوانین آن جامعه، قوانین خدایی است، حدود الهی در آن جامعه جاری می‌شود، روابط اجتماعی را، اقتصاد را، حکومت را، حقوق را، همه و همه را دین خدا تعیین می‌کند. (مهاجرنیا، ۱۳۸۷، ص ۳) طبق آنچه گفته شد، سقوط جامعه اسلامی به این معنی است که جامعه اسلامی از مسیر اصلی خود دور شود و در مسیر فرورفتن به قهقرا قرارگیرد. در این جامعه، دیگر خبری از ارزش‌های اصیل اسلامی نیست و گام به گام به پستی و افول می‌گراید و ارزش‌های اخلاقی در این جامعه دچار انحطاط و دگرگونی می‌شود.



۲. پیامدهای ظلم و تأثیر آن در سقوط جامعه اسلامی

از بررسی آیات قرآن به دست می‌آید که عوامل متعددی، در فروپاشی تمدن‌ها و جوامع بشری نقش داشته‌اند که یکی از مهم‌ترین این عوامل، ظلم و ستم است. مهم‌ترین پیامدهای ظلم، که تأثیر بسزایی در سقوط جامعه اسلامی دارند، عبارتند از:

۲.۱. ایجاد اختلاف و تفرقه و تأثیر آن بر سقوط جامعه

یکی از عوامل پیشرفت جوامع، اتحاد و انسجام افراد جامعه است. جامعه‌ای که افراد آن، با هم متحد و هماهنگ باشند، پیشرفت می‌کند و در عرصه‌های مختلف، موفق خواهد بود؛ همان‌گونه که رمز موفقیت مردم ایران در سال ۱۳۵۷، که توانست قدرت‌های بزرگ دنیا را عقب براند و حکومت پهلوی را فرو ریزد، وحدت اقشار مختلف مردم بود. عکس آن، موضوع قومیت‌گرایی در کشور افغانستان است که از دیرزمان تاکنون، سبب پیدایش بحران‌ها،



قتل عام‌ها، کوچ اجباری و اخراج اقوام ضعیف در این کشور شده است. خداوند در آیه ۴۶ سوره انفال: ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...﴾ از مسلمانان خواسته است که در میان خود، اختلاف و تفرقه ایجاد نکنند؛ چرا که دچار ضعف و سستی در اراده می‌شوند؛ در نتیجه، عزت و دولت آنها با غلبه دشمن بر آنها از دست می‌رود. به همین علت است که رهبر انقلاب اسلامی به مسئولان توصیه کردند: نگذارند در سطوح مدیریتی نظام، دشمنان با ایادی خود، اختلال و اختلاف ایجاد کنند. (بیانات در دیدار مردم زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۱)

البته باید به این نکته توجه داشت که اصل وجود اختلاف در بین جوامع بشری، امری طبیعی است که طبیعت بشری، اقتضای آن را دارد؛ اما گاه اختلافات به گونه‌ای است که جنبه تخریبی داشته و مورد مذمت عقل و شرع می‌باشد. قرآن کریم در آیه ۲۱۳ سوره بقره: ﴿... فِيمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ...﴾، بدترین نوع اختلاف را، اختلاف آگاهانه‌ای می‌داند که به خاطر حسادت و ظلم به وجود می‌آید (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۰). چرا که ظلم و ظلم‌پذیری در جامعه انسانی، سبب بروز هرج و مرج و اختلاف می‌شود و همین امر، انسانیت انسان را به هلاکت می‌کشاند؛ یعنی فطرت او را از دستش گرفته و سعادت او را تباه می‌سازد و در نهایت، باعث فروپاشی آن جامعه می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۷). همچنین خداوند در آیه ۳۷ و ۳۸ سوره مریم، ظالم بودن جوامع را سبب پدیدار شدن اختلاف بین آنها می‌داند: ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ... لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾. از این آیات به دست می‌آید که افزایش ظلم و ظلم‌پذیری در جامعه، موجبات دودستگی و تفرقه را در جامعه فراهم می‌آورد.

اگر مردم، به ویژه طبقه دانشمندان، تعصبات، کینه‌توزی‌ها، تنگ‌نظری‌ها، منافع شخصی و تجاوز از حدود و حقوق خود را کنار بگذارند و با واقع‌بینی و روح عدالت‌خواهی، احکام خدا را بررسی نمایند، جاده حق، بسیار روشن خواهد بود و اختلافات به سرعت حل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۷۳). حال چنان‌چه در جامعه‌ای، اختلاف، تفرقه و دودستگی حکمفرما باشد، قطعاً این اختلاف، مقدمه فروپاشی این جامعه خواهد بود.

۲,۲. تحریف حقایق دینی و تاثیر آن بر سقوط جامعه

رواج ظلم در جامعه اسلامی سبب تحریف حقایق دینی می‌شود، به‌ویژه اگر این ظلم، از جانب مسئولان صورت بگیرد. در این حال، مردم به تدریج از مسئولان متنفر شده و ظلم آنان را به پای دین می‌گذارند، از دین زده می‌شوند، بدعت‌ها در دین ایجاد می‌گردد و احکام دین تعطیل می‌شود. در نتیجه، حقایق دینی اصیل، از جامعه رخت برمی‌بندد و به جای آن، حقایق دینی تحریف شده اجرا می‌شود. به عبارتی هرگاه دل‌زدگی در جامعه پیش آید، از روی گردانی مسئولان از ارزش‌های دینی است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). همین امر، بنا به گفته امام علی علیه السلام، زمینه بیماری‌های اخلاقی را در جامعه فراهم می‌سازد (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). مسئولانی که بتوانند حقایق دینی را در چشم مردم تحریف کنند و بیمارهای اخلاقی را در جامعه رواج دهند، در واقع، عمل، بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی می‌کشاند (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۰/۳/۱۴). مردمی که بازو و اراده آنها به سمت گمراهی رفته باشد، به تدریج، زمینه سقوط خود و جامعه خود را فراهم کرده‌اند. چنان‌چه قرآن درباره قوم بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند)؛ لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم» (بقره: ۵۹) و نیز: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ؛ اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمان‌ها) را به غیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ از این رو، به خاطر ستمی که روا می‌داشتند، بلایی از آسمان بر آنها فرستادیم و مجازاتشان کردیم». (اعراف: ۱۶۲)

در شأن نزول این آیات بیان شده که به قوم بنی‌اسرائیل، بعد از رهایی از بیابان تیه امر شد که به هنگام ورود به بیت المقدس، دل و جان خود را با يك توبه خالصانه و واقعی، که در کلمه «حَظُّه» خلاصه می‌شد، از آلودگی به گناهان گذشته بشویند و از خدا تقاضای بخشش



کنند. این کلمه استغفار آنان بود، یعنی بیفکن از ما گناهان ما را. پس کسانی که بر خود ظلم کردند از روی استهزاء، این کلمه را تغییر دادند و گفتند: «هطاسمقائا» که به زبان عبری، به معنای گندم سرخ بود، پس مورد غضب الهی واقع شدند و عذاب و عقوبت بر آنها نازل شد و در يك ساعت، هفتاد هزار نفر به طاعون هلاک شدند. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۲۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۴۱۶.۴۱۵)

آنچه از این آیات به دست می‌آید این است که ظلم، زمینه‌ساز تغییر و تحریف قانون است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۳). در واقع، بنی اسرائیل به واسطه ظلمی که بر خود روا داشتند، حقایق دینی را تحریف کردند و همین امر، سبب سقوط آنها شد.

۲,۳. زوال نعمت و تاثیر آن بر سقوط جامعه

ظلم به خویشتن و به دیگران، سبب زوال نعمت‌های موجود می‌شود. فرقی نمی‌کند این نعمت، چه نعمت ایمان باشد، چه نعمت آزادی و چه داشتن حکومت و چه داشتن سلامتی و چه ... ظلم به خویشتن، نظیر ظلمی که ابلیس بر اثر تکبر در مقابل خدا و حسد به حضرت آدم علیه السلام بر خود روا داشت و سبب شد تا عبادات شش هزار ساله‌اش نابود شود. ظلم به غیر مانند ظلمی که حاکمان و مسئولان حکومتی بر مردم روا می‌دارند. همانند صدام حسین، رئیس‌جمهور اسبق عراق، که استراتژی وی در برخورد با مخالفان داخلی، شکنجه، تبعید، ترور و اعدام بود و در برخورد با کشورهای همسایه، تهاجم و تجاوز. نتیجه این همه ظلم و ستم، سقوط حکومت وی بود. در زمان حاضر نیز شاهد ظلم و ستم آمریکا و اسرائیل جنایتکار به ملت‌های مظلوم ایران، فلسطین، عراق و افغانستان هستیم که قطعاً آنها به زودی نتیجه این همه ظلم و ستم خود را خواهند دید و به فنا و نابودی محکوم خواهند شد؛ چرا که به فرموده امام علی علیه السلام: «الظُّلْمُ يُزِيلُ الْقَدَمَ، وَ يَسْلُبُ النِّعَمَ وَ يُهْلِكُ الْأُمَّمَ؛ ستم، قدم را می‌لغزاند، نعمت‌ها را سلب می‌کند و ملت‌ها را به نابودی می‌کشاند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۲). ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «دوام الظُّلْمِ يَسْلُبُ النِّعَمَ وَ يَجْلِبُ التَّقَمَ؛ به سبب استمرار ظلم، نعمت‌ها زایل و به نکبت، مبدل می‌گردد». (همان، ص ۸۱۹)

طبق نص صریح آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء، یکی از علل تحریم پاره‌ای از نعمت‌ها بر بنی اسرائیل، ظلم و ستم بر ضعیفان بوده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَزَنًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوَا وَقَدْ هُمُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد و (نیز) به خاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. و (همچنین) به خاطر رباگرفتن، درحالی‌که از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به باطل. و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم».

همچنین در آیات ۱۷ تا ۲۹ سوره قلم، ظلم و نپرداختن سهم بینوایان، سبب زوال نعمت‌ها بیان شده است: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَلَا يَسْتَشْنُونَ (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱) أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَزَنًا إِنَّكُمْ صَارِمِينَ (۲۲) فَانظُرُوا وَ هُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳) أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ (۲۴) وَ غَدُوا عَلَيَّ حَزَنًا قَادِرِينَ (۲۵) فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ (۲۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷) قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ (۲۸) قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)؛ ما آنها را آزمودیم، همان‌گونه‌که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم؛ هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند (۱۷) و هیچ‌کس از آن استثنا نکنند؛ (۱۸) اما عذابی فراگیر (شب هنگام) بر (تمام) باغ آنها فرود آمد درحالی‌که همه در خواب بودند (۱۹) و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد! (۲۰) صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند (۲۱) که به سوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه‌ها را دارید! (۲۲) آنها حرکت کردند درحالی‌که آهسته با هم می‌گفتند (۲۳) امروز نباید نیازمندی در این باغ بر شما وارد شود (۲۴) و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم کنند به سوی باغ روان شدند (۲۵) پس وقتی باغ را دیدند گفتند یقیناً ما گمراه بوده‌ایم (۲۶) بلکه ما از لطف خدا محرومیم (۲۷) عاقل‌ترینشان گفت: آیا به شما نگفتم که چرا تسبیح خدا را به جا نمی‌آورید (۲۸) گفتند: پروردگارا! تو را به پاکی می‌ستاییم، مسلماً ما ستکار بوده‌ایم (۲۹)»

جریان چنین بوده که پیرمردی باغی داشت و هیچ میوه‌ای از آن باغ به خانه‌اش نمی‌برد، مگر آنکه ابتدا حق فقراء را می‌داد. در همان سالی که پدر از دنیا رفت، آن باغ آن قدر میوه داد که در هیچ سالی آن طور میوه نداده بود. فرزندان آن مرد وقتی به باغ رفته و محصول بسیار باغ را دیدند به یکدیگر گفتند: پدر ما پیر شده و عقلش را از دست داده است. بیایید با هم قرار بگذاریم امسال به احدی از فقراء چیزی از این میوه‌ها ندهیم، تا اموالمان زیاد شود. آن‌گاه در سال‌های بعد، روش پدر را دنبال کنیم. چهار نفر از برادران قبول کردند و برادر پنجم، که از همه عاقل‌تر بود، از آنها خواست دست از این کار بردارند؛ اما آنها قبول نکردند. وقتی به خانه برگشتند با هم قرار گذاشتند صبح زود که فقراء خوابند، برای چیدن میوه‌ها به باغ بروند. صبح هنگام به طرف باغ حرکت کردند و وقتی به باغ رسیدند با صحنه عجیبی روبرو شدند. درختان باغ همگی سوخته بودند و چیزی از میوه‌های آن باغ باقی نمانده بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۶۳۴-۶۳۳) و این بود نتیجه ظلم آنها که باعث شد نعمت‌های فراوانی که خدا بر آنها ارزانی داده بود، از دستشان برود.

هنگامی که جوامع اسلامی در ادای رسالت خود کوتاهی کنند و بر اثر آن، قانون شکنی‌ها، هرج و مرج‌ها، ناامنی‌ها و ظلم و ستم‌ها به بار آید، نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند. در واقع ظلم و ستم و فسق و فجور و فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورهای و نظام‌ها است و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و این اخطاری است که خداوند در آیه ۲۵ سوره انفال به همه جوامع اسلامی می‌دهد: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ و از آن فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است ﴿مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۳۱﴾. رهبر انقلاب اسلامی نیز در سخنان خود، خطر ظلم را گوشزد کرده و نتیجه و اثر آن را دامنگیر همه عنوان کردند. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۰۸/۱۵)

۲,۴. چیرگی ظالمان بر جامعه و تاثیر آن بر سقوط جامعه

هرگاه فرهنگ عمومی جامعه، به دلایل مختلف، پذیرای ظلم شود و طرز تفکر جامعه نسبت به مبارزه با ظلم و عدالت خواهی تغییر یابد، ناهلان و بدترین افراد، بر جامعه احاطه پیدا می‌کنند و هرگونه که خواستند به فسق و فجور و قدرت‌نمایی می‌پردازند چنان‌که خداوند در آیه ۱۲۹ سوره انعام می‌فرماید: ﴿وَ كَذَلِكَ نُؤَيِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا مِمَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ ما این‌گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی‌گذاریم به سبب اعمالی که انجام می‌دادند﴾. این آیه بیان يك حکم کلی است و آن اینکه آن‌گاه که مردم جامعه نسبت به بی‌عدالتی‌ها، بی‌تفاوت شده و ظلم را پذیرا شوند، خدا بعضی از ظالمان را بر بعضی مسلط و سرپرست می‌کند و این تسلط، نتیجه عملکرد آنهاست. نه اینکه مجازات ابتدایی و بدون گناه بوده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۴۸۷ و قرشی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱۴). در واقع می‌توان این آیه را به جامعه‌های ظالم تعمیم داد؛ جامعه‌هایی که هم مسئولان حکومت ظالمند و هم توده مردم، در اثر گناه و غفلت، ظالمند و در واقع، بعضی از ظالمان بر بعضی دیگر مسلط شده‌اند. گاهی تسلط حاکمان ستمگر بر يك جامعه، نتیجه گناه و معصیتی است که مردم انجام می‌دهند و خدا آنها را این چنین مجازات می‌کند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۵۳) و این همان معنای آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند وضع زندگی قومی را تغییر نمی‌دهد، جز اینکه باطن خود را تغییر داده، اصلاح کنند﴾. (رعد: ۱۱)

ابن عباس در این باره گفته است: «هرگاه خداوند از مردمی راضی شود، زمان امورشان را به خوبانشان می‌سپارد و هرگاه به قومی خشم گیرد، به کیفر کارهای زشت ایشان، زمام امورشان را به بدانشان می‌سپارد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۶۵)؛ از این رو انسان علاوه بر آنکه نباید خود را به هیچ ستمی آلوده سازد، در مقابل ظالمان و متجاوزان نیز حق سکوت و بی‌تفاوتی ندارد. ستمگر و ستم‌پذیر به یک اندازه در گناه شریکند، چون تن به ظلم دادن، سبب چیرگی بیشتر ظالم می‌شود. بنا به گفته رهبر انقلاب، بشر نمی‌تواند در سایه رفتار ظالمانه و تجاوز و تعرض و اتکای به قلدری و زور زندگی کند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام،



در اسلام، همان قدر که ظلم کردن بد است، تسلیم ظلم شدن هم بد است. خداوند نیز در این باره می‌فرماید: ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾؛ نه ظلم کنید، نه قبول ظلم کنید و زیر بار ظلم بروید» (بقره: ۲۷۹). (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۶/۸/۱۴). به همین علت است که مقام معظم رهبری، مذاکره با آمریکا را سم می‌دانند و از دولت مردان و مردم ایران می‌خواهند که زیر بار مذاکره با آمریکا نروند؛ چرا که نتیجه‌ای جز خسارت، حسرت و ملامت نخواهد داشت و سرانجام، موجب چیره‌شدن آمریکا بر سرنوشت ملت ایران خواهد شد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱). ملتی که توانست در فضای حیات بخش انقلاب، نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلداران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲.۵. عدم امنیت اجتماعی و تاثیر آن بر سقوط جامعه

امنیت، نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۳۹). علم، پیشرفت، تکنولوژی، ثروت و معنویت، در سایه امنیت حاصل خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم مشترک نیروهای مسلح کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۱). اگر امنیت نباشد، اقتصاد هم نیست؛ تلاش برای سازندگی و برای افتخارآفرینی هم نیست. ناامنی، بزرگ‌ترین خطری است که یک ملت را تهدید می‌کند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۸۷/۰۷/۱۷). از همین رو، حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از بنای کعبه، از خداوند می‌خواهد که آنجا را شهر امن قرار دهد: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾؛ و به یاد آور هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار داده و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگه دار» (ابراهیم: ۳۵). این دعا در حالی به پیشگاه الهی عرضه شده است که به علت پیدایش چاه زمزم، مکه به تدریج شکل شهری به خود می‌گرفت و قبیله جرهم در آنجا سکونت گزیده بودند. در نتیجه، ایشان در دعای

خود، اصلی‌ترین نیاز این اجتماع را مد نظر قرار داده و قبل از هر تقاضای دیگری، برای آنان درخواست «امنیت» می‌کند. این خود نشان می‌دهد که نعمت امنیت، نخستین شرط برای زندگی انسان و سکونت در یک منطقه و لازمه هرگونه عمران و آبادی و پیشرفت و ترقی است، و به راستی هم چنین است. اگر جایی امن نباشد، قابل سکونت نیست؛ هرچند تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع باشد. اصولاً شهر و دیار و کشوری که نعمت امنیت نداشته باشد، همه نعمت‌ها را از دست می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۳۶۵-۳۶۶)

همچنین هنگامی که بستگان حضرت یوسف علیه السلام بنا به درخواست ایشان، برای سکونت به مصر رفتند، یوسف علیه السلام خطاب به آنها گفت: ﴿... قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ؛ همگی داخل مصر شوید ان شاء الله در امن و امان خواهید بود﴾ (یوسف: ۹۹). از این آیه استفاده می‌شود هنگامی که حضرت یعقوب علیه السلام پس از سالیان دراز تحمل رنج فراق فرزندش، به همراه سایر فرزندانش وارد شهر مصر شدند، حضرت یوسف علیه السلام که عزیز مصر شده بود، آنان را به برخورداری از امنیت کامل در مصر مژده داد. اینکه حضرت یوسف علیه السلام از میان تمام نعمت‌های موجود در مصر، بر روی مسئله امنیت تاکید کرد و به پدر و مادر خود و برادرانش گفت: وارد مصر شوید که ان شاء الله در امنیت خواهید بود، نشان می‌دهد که نعمت امنیت، ریشه همه نعمت‌ها است؛ زیرا در یک محیط ناامن، نه اطاعت خدا مقدور است و نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۸۴)

ریشه هرگونه ناامنی، به بی‌ایمانی و صفات مقابل ایمان، مانند کفر، شرک، ظلم و... برمی‌گردد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۳۵) خداوند در آیه: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ هُمُ الْأَمَنُ وَ هُم مُّهُتَدُونَ؛ آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند!﴾ (انعام: ۸۱) از مردم و مسئولان جامعه می‌خواهد برای دستیابی به امنیت اجتماعی، از هرگونه ظلم پرهیز کنند؛ چرا که اگر صاحبان قدرت و ثروت به ظلم و ستم پردازند و به جای آرامش روانی و امنیت اجتماعی و تأمین آزادی، به تحمیل



استبداد و اختناق روی آورند، بی تردید چنین جامعه و نظامی، محکوم به فنا و زوال خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۲۱) و به عبارتی، مُلک با کفر باقی می ماند ولی با ظلم باقی نخواهد ماند (سبزواری، بی تا، ص ۲۲۷)؛ زیرا در جامعه‌ای که ظلم حاکم باشد، دل‌های مردم از یکدیگر و حاکمان دورتر و در نتیجه، بدبینی بین آنان حاکم می شود. در چنین جامعه‌ای، رابطه میان مردم با یکدیگر و حاکمان، بر اساس اعتماد متقابل سامان نمی یابد و در نتیجه، مردم و حاکمان، حق یکدیگر را رعایت نمی کنند. مردم، یکدیگر و حاکمان را فریب می دهند و بالعکس. در چنین جامعه‌ای، حکومت به مردم بی اعتماد و بدبین است و چنین می پندارد که مردم همیشه در حال توطئه علیه حکومت و حاکمان هستند. اما برعکس، اگر حکومت به وظایف خود به درستی عمل کند، مورد قبول و اعتماد مردم واقع خواهد شد و حکومتی که مورد قبول و اعتماد مردم باشد از سوی مردم احساس خطر نخواهد کرد، وقتی حکومت از سوی مردم خیالش راحت باشد و از سوی آنان احساس خطر نکند، بدون تردید امن خواهد بود. نمونه عینی آن جمهوری اسلامی ایران است که با وجود تحریم‌های متعددی از جانب دشمنان، شاهد ثبات و امنیّت و تمامیّت ارضی کشور ایران هستیم که به گفته رهبر معظم انقلاب این امنیّت، معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی اش را پدید آورد. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲.۶. فروپاشی و هلاکت

یکی از آثار ظلم و ظلم‌پذیری، فروپاشی و هلاکت جوامع بشری است. بنا به گفته قرآن، بسیاری از امت‌های گذشته، مانند قوم حضرت نوح (فرقان: ۳۶)، قوم عاد (هود: ۱۰۲) و قوم ثمود (نمل: ۵۲) به خاطر ظلمی که مردم یا دستگاه حکومتی بر مظلومان اعمال می کردند، گرفتار هلاکت شدند.

تاثیر ظلم در ویران ساختن جوامع بشری، با هیچ چیز دیگری، قابل قیاس نیست. ظلم، صاعقه مرگبار و زلزله ویرانگری همچون صیحه مرگ‌آفرین آسمانی است. تاریخ، بارها و

بارها اثبات کرده که دنیا ممکن است با کفر ادامه یابد، اما با ظلم قابل دوام نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۵۰۰). امام علی علیه السلام می فرماید: «الظلم یدمر الدیار؛ ظلم، شهرها را نابود می کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۷). ایشان در جای دیگری می فرماید: «من جار فی سلطانه و اکثر عدوانه هدم الله بنیانه و هدد أركانہ؛ کسی که هنگام بهره مندی از قدرت، ظلم کند و زور بگوید، ستون حکومتش از بین می رود» (همان، ص ۶۴۷). در سال های قبل، حکومت پهلوی یکی از حکومت هایی بود که در اثر ظلم و ستم و تحقیر مردم جامعه از بین رفت و به گفته رهبر معظم، انقلاب اسلامی ایران به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) یکی دیگر از کشورهایی که در اثر ظلم و ستم فروپاشید، کشور شوروی بود. رهبر معظم انقلاب، فقر شدید اقتصادی، فشار بر مردم، اختناق شدید و فساد اداری و بوروکراسی را مهم ترین عامل فروپاشی شوروی بیان کرده اند. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۷/۱۹)



نتیجه گیری

از آنچه بیان شد به دست می آید که ظلم و ستم در جامعه اسلامی، به ویژه اگر از جانب مسئولان آن جامعه باشد، تأثیرات جبران ناپذیری را به دنبال دارد؛ چرا که باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مردم و تنفر آنها از مسئولان جامعه اسلامی می شود. نتیجه این امر، سرخورده شدن مردم از دین و روی آوردن آنها به حقایق تحریف شده است. همین مسئله، سبب می شود نعمت هایی که خداوند بر آن جامعه ارزانی داشته، به مرور از جامعه رخت بربندد و زمینه عدم امنیت اجتماعی و چیرگی ظالمان بر آن جامعه فراهم شود. جامعه ای که ظالمان بر آن چیره شوند، به تدریج رو به هلاکت و فروپاشی می رود.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.

صحیفه سجادیه، ترجمه: حسین انصاریان.

کتاب

۱. ابن فارس، احمد، ۱۳۹۹ق، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: صادر.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دار الکتاب الاسلامی.
۴. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶ش، تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت.
۵. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیه.
۷. سبزواری، محمد، بی تا، جامع الأخبار، قم: موسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۸. شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۹. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، کتاب العین، بی جا: دار و مکتبه الهلال.
۱۲. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۸ق، المصباح المنیر، بیروت: المکتبه العصریه.
۱۳. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۴. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقاله

۱. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۹ش، «امنیت، ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۲، ص ۳۵.
۲. مهاجرنیا، محسن، ۱۳۸۷ش، «جامعه آرمانی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، نشریه معارف، ش ۶۳، ص ۳.

پایگاه اطلاع رسانی

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei.ir/>.

